

پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری (علمی- پژوهشی)

سال ششم، شماره دوم، پیاپی (۱۱)، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۱۵

صص: ۶۵-۸۰

پیش‌بینی قضاوت اخلاقی در دانش‌آموزان دختر مدارس ابتدایی عادی و تیزهوش بر اساس ارزش‌های شخصی - خانوادگی و خودپنداره

اصغر جعفری^{۱*}، هانیه رحمانی^۲، مجتبی امیری مجد^۳

۱- استادیار مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر، ایران

as_jafari@sbu.ac.ir

۲- کارشناس ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر، ایران

r.hanieh@abhariau.ac.ir

۳- دانشیار روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر، ایران

amirimajd@abhariau.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر برای پیش‌بینی قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان دختر مدارس ابتدایی عادی و تیزهوش بر اساس ارزش‌های شخصی - خانوادگی و خودپنداره انجام شد. روش پژوهش همبستگی است. ۵۰ دانش‌آموز از مدارس ابتدایی عادی به روش تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای و ۵۰ دانش‌آموز از مدارس ابتدایی تیزهوش به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های ارزش‌های شخصی - خانوادگی، خودپنداره و قضاوت اخلاقی، جمع‌آوری و با ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه و Z فیشر تحلیل شدند. نتایج نشان داد که ارزش‌های شخصی - خانوادگی و خودپنداره، قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان مدارس تیزهوش و ارزش‌های مذهبی، مردمی، اقتصادی و دانش می‌توانند قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان تیزهوش را به‌طور معناداری پیش‌بینی کنند ($P < 0/01$). ارزش‌های شخصی - خانوادگی و خودپنداره نمی‌توانند قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان مدارس عادی را به‌طور معناداری پیش‌بینی کنند. همچنین نتایج نشان داد که همبستگی ارزش‌های شخصی - خانوادگی و خودپنداره با قضاوت اخلاقی بین دانش‌آموزان مدارس تیزهوش و عادی متفاوت است. نتایج، شواهدی را پیشنهاد می‌کند که ارزش‌های شخصی - خانوادگی در قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان تیزهوش تأثیر دارند. بنابراین برای تغییر و اصلاح قضاوت اخلاقی و بهبود فرایند تحول استدلال اخلاقی در دانش‌آموزان ۱۲ تا ۱۳ سال، لازم است به کارآمدسازی عملکرد خانواده به‌ویژه ارزش‌ها توجه شود.

واژه‌های کلیدی: ارزش‌های شخصی - خانوادگی، خودپنداره، قضاوت اخلاقی، دانش‌آموزان مدارس تیزهوش، دانش‌آموزان مدارس عادی.

مقدمه

تاریخچه نظریه‌پردازی و انجام پژوهش‌های روان‌شناختی در مورد رشد اخلاق با مفهوم وجدان در آثار فروید و مفهوم استدلال اخلاقی در آثار پیاژه آغاز شد (جهانگیرزاده، ۱۳۹۰). از نظر پیاژه رشد اخلاقی که ناشی از رشد شناختی و کسب تجارب اجتماعی است به معنای احترام به قوانین و عدالت اجتماعی است (پاشا و گودرزیان، ۱۳۸۹).

کلبرگ^۱ (۱۹۸۶) در تبیین رشد اخلاقی افراد از نظام پیاژه استفاده می‌کند. اما نظر او تفاوت مهمی نیز با دیدگاه پیاژه دارد. کلبرگ رشد اخلاقی را به سنین بالاتر از ۱۲ سالگی نیز جریان داد. او رشد اخلاقی انسان‌ها را در شش مرحله طبقه‌بندی کرد و رشد اخلاق را موازی با رشد روان‌شناختی آن‌ها دانسته است. کلبرگ نظریه رشد قضاوت اخلاقی خود را در سه سطح تبیین کرد: اخلاق پیش عرفی، متعارف، پس‌عرفی. از دیدگاه کلبرگ یکی از جنبه‌های مهم رشد آدمی درک ارزش‌های حاکم بر جامعه و سازگارشدن با این ارزش‌ها است. مفهومی که کودکان از درست یا نادرست دارند، همراه با افزایش سن به روش جالبی تغییر می‌کند. کودکان کم‌کم درمی‌یابند که چه گفته‌ای دروغ است و چه فرقی بین قرض‌گرفتن و دزدی‌کردن وجود دارد. بروز نارسایی‌هایی در رشد اخلاقی ممکن است در سطح استدلال اخلاقی ارائه‌شده از جانب فرد تأثیر بگذارد. ارزش‌های شخصی - خانوادگی و خویش‌داری از جمله عوامل درونی افراد است که در شکل‌گیری مفاهیم درست یا نادرست در کودکان جایگاه اساسی

دارد. خانواده گروهی است که در فرایند اجتماعی‌شدن فرزندان و برآوردن نیازهای بنیادین، مسئولیت اصلی را بر عهده دارد (تقوی، ۱۳۸۲). در واقع، خانواده بنیاد بسیاری از ویژگی‌های اخلاقی محسوب می‌شود. یعنی بی‌تردید سوابق خانوادگی در خلق و خوی کودک تأثیر دارد. والدین با راه‌های مختلف به‌ویژه با الگوی عملی رفتار خودشان، رفتار اخلاقی کودکان را شکل می‌دهند یا برای آن‌ها نوعی فراخود محسوب می‌شوند (راجرز^۲، ۱۹۹۴، به نقل از پاشا و گودرزیان، ۱۳۸۹).

خانواده محل انتقال ارزش‌های سنتی، باورها و انواع شناخت‌هاست. خانواده از طریق اجتماعی‌بارآوردن کودک، میراث فرهنگی آماده و تجربه‌شده نسل‌های گذشته را در اختیار کودک قرار می‌دهد و برای او جهان‌بینی و دنیای خاصی را فراهم می‌آورد. جهانی (۱۳۸۶) معتقد است که می‌توان از طریق رشد مهارت‌های پرورشی به پرورش منش‌های اخلاقی دانش‌آموزان کمک کرد. درک مراحل رشد اخلاقی می‌تواند والدین و مربیان را در تربیت کودکان کمک کند. با نفوذ به اعماق وجود کودک می‌توان جایگاه او را در مسیر تکامل اخلاقی تمیز داد و به این ترتیب همگام با هر مرحله از رشد اخلاقی کنار او قرار گرفت. از طرف دیگر در بخشی از پژوهش‌ها که در مورد روابط متقابل در تحول اخلاقی انجام شده است، خانواده یکی از ارکان مهم جامعه تلقی می‌شود و بعضی از شرایط خانوادگی را می‌توان شرایط تسهیل‌کننده تحول اخلاقی به حساب آورد.

² Rogers¹ Kohlberg

طریق تأثیر آن بر ارتباطات فرزند - بزرگسال در آموزشگاه تأیید شد.

مطالعات تجربی متعددی در زمینه رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و خودپنداره، اهمیت دلبستگی و گرم‌بودن و پذیرش والدینی را برای رشد روان‌شناختی کودکان بررسی کردند. والدینی که مهربان و ارزیابی‌کننده مثبت فرزندانشان هستند و حمایت عاطفی خوبی را برای فرزندان خود فراهم می‌آورند، کودکان آن‌ها ارزش‌هایی را تجربه می‌کنند که خودپنداره آن‌ها را رشد می‌دهد (نیمیک و لینچ^۴، ۲۰۰۸). همچنین نتایج پژوهش‌های کسینجر و همکاران^۵ (۲۰۰۶)، ماتارزو و همکاران^۶ (۲۰۰۸) و برزنسکی^۷ (۲۰۰۸) نشان داد که شیوه فرزندپروری مقتدرانه که هم بعد استقلال و هم بعد محبت را در فرزندان حمایت می‌کند با خودپنداره بالا در نوجوانان و جوانان رابطه دارد. در همین راستا نتایج پژوهش‌های دیگری نشان داد که سبک والدینی مبتنی بر ارزشیابی مثبت مانند حمایت، مشارکت و علاقه به کودک، خودپنداره کودک را تقویت می‌کند (دانلوپ و همکاران^۸، ۲۰۰۱، دکوویک و میوز^۹، ۲۰۰۲، به نقل از کریمی، ۱۳۸۹).

از آن جا که خودپنداره خانوادگی بخش مهمی از دنیای روان‌شناختی کودکان را تشکیل می‌دهد و رشد آن یکی از پیش‌نیازهای اصلی در تکوین شخصیت سالم کودکان است، خانواده می‌تواند جایگاه سازنده‌ای در پرورش آن داشته باشد. در واقع،

ویژگی روان‌شناختی که نقش تعیین‌کننده‌ای در زندگی فردی و اجتماعی افراد دارد، خود - پنداره آنان است. خودپنداره سازماندهی کلی ادراکات فرد نسبت به خود است که چندوجهی، سلسله‌مراتبی و نسبتاً ثابت است (نادو و همکاران^۱، ۲۰۰۶). از سوی دیگر در سال‌های اخیر روان‌شناسان به مسائلی که به تشکیل خودپنداره مربوط است و به کسانی که مسئول پرورش کودک در ابتدای زندگی هستند، اهمیت زیادی دادند. در این میان تجارب اجتماعی جایگاه اساسی دارند و این تجارب اجتماعی تا حد زیادی به روابط خانوادگی منحصر است. اعضای خانواده در نظر کودک معمولاً مهم‌ترین افراد هستند و بر اساس رابطه با این افراد مهم که برجسته‌ترین آن‌ها مادر است، کودک پایه‌های خودپنداره را استوار می‌کند (شاملو، ۱۳۹۰). به‌طور کلی خانواده و سبک‌های فرزندپروری والدین، یک منبع تأثیرگذار مهم و اساسی بر رشد خودپنداره کودک در نظر گرفته شده است. تحقیقات زیادی در مورد ارزش‌های شخصی - خانوادگی و خودپنداره با قضاوت اخلاقی انجام شده است. فدر^۲ (۲۰۱۳) در پژوهشی دریافت که بین خودپنداره والدین و فرزندان، رابطه مثبت وجود دارد. همچنین نبود همانندی میان خودپنداره والدین به‌طور منفی با خودپنداره فرزندان رابطه دارد. ورچورن و همکاران^۳ (۲۰۱۱) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که خودپنداره کلی با کیفیت دلبستگی به مادر مرتبط است. همچنین نقش غیرمستقیم کیفیت دلبستگی اولی مادر - فرزند بر خودپنداره تحصیلی از

⁴ Niemiec Lynch

⁵ Kissinger etal

⁶ Matarazzo etal

⁷ Berzonsky, Smits

⁸ Dunlop etal

⁹ Dekowic & Myous

¹ Nado & etal

² Feather

³ Verschueren & etal

جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی را به خود جلب کرده است (محمّدی، ۱۳۹۲).

از آن جا که ریشه و ماهیت بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی در نوجوانان و جوانان از تحوّل‌نیافتگی سطح اخلاق در آنان به وجود می‌آید، این معضل به نوبه خود می‌تواند بسیاری از مشکلات اجتماعی، خانوادگی و فرهنگی را در جامعه گسترش دهد. از سوی دیگر خانواده و سبک‌های فرزندپروری والدین، یک منبع مهم و اساسی بر رشد خودپنداره کودکان در نظر گرفته می‌شود و خانواده مکانی است که نخستین احساس کودک نسبت به خود و مسایل اخلاقی از طریق تعاملات گسترده، نزدیک و صمیمی با والدین و اعضای دیگر خانواده شکل می‌گیرد.

طبق دیدگاه کلبِرگ (۱۹۸۵)، به نقل از رجایی، (۱۳۸۹) دانش‌آموزان دوره ابتدایی (۷ - ۱۲ سال) به لحاظ تحوّل اخلاقی در سطح عرفی و طبق دیدگاه پیازِه (به نقل از محمداسماعیل، ۱۳۸۴) در مرحله اخلاق دیگرپروی هستند. همچنین این دانش‌آموزان در مرحله شکل‌گیری ارزش‌ها قرار دارند (روکیچ^۲، ۲۰۱۱). با توجه به این که ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی و ارزش‌های شخصی - خانوادگی دائماً در حال تغییر هستند (آسایش و بهرامی‌زاده‌ها، ۲۰۱۱)، مطالعه تحوّل اخلاقی و سطح قضاوت اخلاقی در نوجوانان با تاکید بر ارزش‌های شخصی - خانوادگی، بعنوان یک عامل تاثیرگذار در تحوّل مسایل اخلاقی و همچنین ادراکات نوجوانان نسبت به خود از اهمیت بسزایی برخوردار است. لذا با هدف پیش‌بینی قضاوت اخلاقی در دانش‌آموزان دختر دوره ابتدایی

شکل‌گیری و تحوّل جوّ روانی - عاطفی خانواده که ترکیب کلی و مجموع روابط بین اعضای آن است، هرکدام به گونه‌ای خاص عملکرد و رفتار فرد را در جهت رویارویی با مسائل و موانع و فشارهای روانی، اضطراب‌ها، ترس‌ها و سایر محرک‌های ناخوشایند در تأثیر قرار می‌دهد. نتایج پژوهش‌های متعدّد نشان داد که کیفیت مثبت روابط عاطفی والدین با فرزندان در شکل‌گیری خودپنداره مناسب کودکان تأثیر به‌سزایی دارد (نجاتی، ۱۳۸۹).

ارزش‌های شخصی - خانوادگی از مهم‌ترین عواملی هستند که در رشد کودکان و نوجوانان به‌خصوص رشد اخلاقی و نوع استدلال اخلاقی آنان تأثیر دارد. تعاملات خانواده با فرزندان ناشی از نوع ارزش‌های خانواده است که در چهارچوب بازخوردهای شناختی، عاطفی و رفتاری به فرزندان انتقال داده می‌شود (سانتراک^۱، ۲۰۱۰).

همین‌طور نتایج پژوهش خدایی (۱۳۸۶) نشان داد که کارکرد سالم خانواده می‌تواند جایگاه تعیین‌کننده‌ای در پیشگیری از پیامدهای منفی به‌ویژه مسایل رفتاری درونی و بیرونی داشته باشد. محمّدی (۱۳۹۲) در پژوهشی که روی نوجوانان در کانون‌های اصلاح و تربیت انجام داد، به این نتیجه رسید که بروز ناهنجاری‌ها و کجروی‌های اجتماعی مانند بزهکاری، خشونت، سوء مصرف مواد و اقدام به خودکشی در میان نوجوانان به‌خصوص در جوامع صنعتی غرب بیشتر از ارزش‌های ناکارآمد شخصی و خانوادگی و پایین‌بودن سطح استدلال اخلاقی در آنان ناشی می‌شود که این نگرانی نظر بسیاری از

² . Rokich

¹ Santrock

در مدارس عادی و تیزهوش بر اساس ارزش‌های شخصی - خانوادگی و خودپنداره، به بررسی فرضیه‌های پژوهشی زیر پرداخته شد:

۱- ارزش‌های شخصی - خانوادگی و خودپنداره، قضاوت اخلاقی را در دانش‌آموزان دختر مدارس ابتدایی عادی پیش‌بینی می‌کنند.

۲- ارزش‌های شخصی - خانوادگی و خودپنداره، قضاوت اخلاقی را در دانش‌آموزان دختر مدارس ابتدایی تیزهوش پیش‌بینی می‌کنند.

۳- رابطه ارزش‌های شخصی - خانوادگی و خودپنداره با قضاوت اخلاقی در بین دانش‌آموزان دختر مدارس ابتدایی عادی و تیزهوش متفاوت است.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه ارزش‌های شخصی - خانوادگی: شری و ورما^۱ (۱۹۹۴) این پرسشنامه را تهیه و کرمی (۱۳۸۳) در ایران آن را هنجاریابی کرد. این پرسشنامه ۴۰ سؤال سه‌گزینه‌ای از صفر تا دو دارد که به روش ذیل نمره‌گذاری می‌شود.

(الف) نمره دو برای علامت تأیید (✓) نشان‌دهنده بیشترین ارزش رجحانی پاسخ‌دهنده است.

(ب) نمره صفر برای علامت (x) نشان‌دهنده کمترین ارزش پاسخ‌دهنده است.

(ج) نمره یک برای جاهای خالی یا گزینه بدون علامت است که نشان‌دهنده رجحان متوسط ارزش پاسخ‌دهنده است. روایی^۲ این پرسشنامه، ۰/۶۴ است که به روش همبستگی با پرسشنامه ارزش‌های آلپورت به دست آمد. پایایی^۳ آن هم به روش آلفای کرانباخ حاصل شد که کمترین آن به ارزش اجتماعی به مقدار ۰/۶۷ و بزرگترین آن به ارزش مذهبی به میزان ۰/۸۲ مربوط است (قورچی بیگی، ۱۳۹۲). در مطالعه حاضر، روایی این پرسشنامه با روش

جامعه آماری، همه دانش‌آموزان مدارس دخترانه تیزهوش و عادی پایه پنجم و ششم دوره ابتدایی در شهر قزوین بودند که در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ در یکی از این مدارس به تحصیل مشغول بودند. بنا به نظر هومن (۱۳۸۷) در پژوهش‌های همبستگی به ازای هر متغیر ۳۰ آزمودنی در نظر گرفته می‌شود. بر این اساس در پژوهش حاضر ۹۰ آزمودنی به اضافه ۱۰ آزمودنی هم برای احتمال وجود پرسشنامه‌های مخدوش در نظر گرفته شد؛ بنابراین حجم نمونه، ۱۰۰ نفر بود (۵۰ دانش‌آموز از مدارس دوره ابتدایی عادی به روش تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای و ۵۰ دانش‌آموز از مدارس دوره ابتدایی تیزهوش) که به روش تصادفی ساده برای نمونه پژوهش انتخاب شدند. روش پژوهش، همبستگی بود. پس از تعیین نمونه، پرسشنامه‌های ارزش‌های شخصی - خانوادگی، خودپنداره و

¹ Shery & Verma

² validity

³ reliability

گروه تقسیم شده‌اند. در ایران توسط کرمی (۱۳۸۵) ترجمه شد و پایایی به روش دو نیمه کردن آزمون با استفاده از فرمول اسپیرمن براون ۰/۹۳ و برای ۱۰۰ آزمودنی در گروه‌های سنی ۱۰ تا ۱۵ سال ۰/۸۲ و ۰/۹۰ بدست آمد. رحمانی (۱۳۹۲) در پژوهش حاضر روایی به روش همبستگی بین نمرات این آزمون و نمرات آزمودنی‌ها در پرسشنامه استدلال اخلاقی احمدی، ۰/۸۵ و پایایی آن به روش تصنیف، ۰/۹۳ بدست آورد.

نتایج

ضریب همبستگی ارزش‌های شخصی - خانوادگی، خودپنداره و قضاوت اخلاقی برای آزمودنی‌ها محاسبه شد که خلاصه نتایج در جدول‌های (۱) و (۲) گزارش شده است.

محتوایی و با استفاده از نظر متخصصان به دست آمد و پایایی آن با روش تصنیف ۰/۸۱ حاصل شد (رحمانی، ۱۳۹۲).

برای اندازه‌گیری خودپنداره، از مقیاس خودپنداره کودکان آهلوالیا^۱ استفاده شد. این مقیاس با استفاده از مقیاس مشهور خودپنداره کودکان پی‌یر - هریس^۲ (۱۹۶۹) تهیه شده است. این آزمون ۸۰ سؤال دارد که پاسخ آن‌ها به صورت بلی (نمره یک) یا خیر (نمره صفر) است. این مقیاس، ۱۴ سؤال اضافی هم دارد. کرمی (۱۳۸۵) پایایی به روش آلفای کراباخ و روایی به روش همبستگی با پرسشنامه خودپنداره راجرز را به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۷۵ برای این پرسشنامه به دست آورد. در مطالعه حاضر، روایی مقیاس خودپنداره کودکان با روش محتوایی و با استفاده از نظر متخصصان به دست آمد و پایایی آن با روش تصنیف کردن ۰/۷۹ حاصل شد (رحمانی، ۱۳۹۲).

مقیاس قضاوت اخلاقی: این آزمون مرکب از ۵۰ سؤال است، که کودک باید در مورد آن‌ها تصمیم اخلاقی بگیرد. آزمون قضاوت اخلاقی ابتدا بوسیله کلبرگ (۱۹۶۸) ساخته شد. آخرین نسخه تجدیدنظر شده آن توسط دورگاندا سینها و میراوارما^۳ (۱۹۹۸) در هند انجام شد. سئوالات این آزمون بخصوص برای ۱۴ ارزش متداول در فرهنگ هندی طراحی شده‌اند. این ۱۴ ارزش به «شرم»، «وظیفه»، «احترام»، «نقص عهد»، «طهارت»، «بخشش»، «حرص»، «خشم»، «فضیلت»، «دروغ»، «انتقام»، «سرقه»، «راستگویی» و «گناه» این آزمون به شش

¹ Ahlovaliya

² Piyar- Haris

³ Dorgandacinha & Miravarma

جدول ۱. ضریب همبستگی ارزش‌های شخصی - خانوادگی، خودپنداره و قضاوت اخلاقی در دانش‌آموزان مدارس عادی

	۱	۲	۳	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
قضاوت اخلاقی	۱	-۰/۰۳	۰/۱۹	-۰/۲۵	-۰/۱۳	-۰/۱۷	۰/۰۷	۰/۰۲	۰/۰۳	-۰/۳۸**	۰/۱۶	۰/۰۷
مذهبی		۱	۰/۲۰	-۰/۵۰**	-۰/۰۵	۰/۰۷	-۰/۰۲	-۰/۰۶	-۰/۰۳۷	-۰/۴۳**	-۰/۰۳	۰/۲۱
اجتماعی			۱	-۰/۲۴	۰/۰۲	-۰/۰۷	۰/۰۲۱	-۰/۱۵	-۰/۱۸	-۰/۱۵	۰/۰۸	۰/۲۸*
مردمی				۱	۰/۱۴	-۰/۲۶	۰/۲۲	۰/۲۲	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۲۷
هنری					۱	-۰/۰۷	-۰/۲۶	-۰/۰۰۹	-۰/۰۱	۰/۱۵	-۰/۱۴	۰/۲۱
اقتصادی						۱	-۰/۲۷	-۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۰۴	-۰/۲۶	-۰/۰۱
دانش							۱	-۰/۰۱	۰/۰۰۳	-۰/۱۵	۰/۱۲	۰/۳۴*
لذت‌جویانه								۱	-۰/۰۴	۰/۰۱	۰/۱۶	۰/۴۳**
سیاسی									۱	-۰/۰۹	-۰/۰۴	۰/۲۲
خانوادگی										۱	-۰/۳۹**	-۰/۰۷
سلامت											۱	۰/۳۵
خودپنداره												۱

*P<۰/۰۵ و **P<۰/۰۱

جدول ۲. ضریب همبستگی برای ارزش‌های شخصی - خانوادگی، خودپنداره و قضاوت اخلاقی در دانش‌آموزان مدارس تیزهوش

	۱	۲	۳	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
قضاوت اخلاقی	۱	-۰/۳۴/۵**	۰/۱۰۲	۰/۵۰**	-۰/۰۵	-۰/۳۷**	-۰/۳۰*	-۰/۰۷	-۰/۰۸	-۰/۲۲	۰/۱۴	-۰/۲۸*
مذهبی		۱	۰/۰۱۲	-۰/۲۸*	-۰/۲۶	۰/۰۵	-۰/۱۷	-۰/۱۳	-۰/۳۲*	-۰/۰۶	۰/۰۹	-۰/۰۷
اجتماعی			۱	-۰/۰۱	-۰/۰۳	-۰/۰۲	-۰/۰۸	-۰/۰۸	-۰/۲۳	-۰/۲۱	۰/۰۳	۰/۰۸
مردمی				۱	۰/۰۳	-۰/۰۹	۰/۱۹	-۰/۱۲	-۰/۲۲	-۰/۲۵	-۰/۲۳	۰/۱۱
هنری					۱	-۰/۰۱	-۰/۱۱	-۰/۳۳*	-۰/۰۸	-۰/۲۱	-۰/۲۹*	-۰/۲۲
اقتصادی						۱	-۰/۲۸*	-۰/۳۳*	-۰/۰۱	۰/۱۲	-۰/۲۹*	-۰/۰۷
دانش							۱	-۰/۰۲	-۰/۰۰۱	۰/۱۰	۰/۰۷	۰/۳۲*
لذت‌جویانه								۱	-۰/۰۲	۰/۱۸	-۰/۲۲	۰/۰۳
سیاسی									۱	-۰/۲۴	-۰/۰۰۳	-۰/۱۵
خانوادگی										۱	-۰/۳۴*	-۰/۰۱
سلامت											۱	-۰/۱۴
خودپنداره												۱

*P<۰/۰۵ و **P<۰/۰۱

اخلاقی دانش‌آموزان دختر ابتدایی مدارس عادی با استفاده از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف انجام شد که خلاصه نتایج نشان داد مفروضه نرمال بودن توزیع نمرات برقرار است. برای آزمون فرضیه اول از آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد.

در دانش‌آموزان مدارس تیزهوش جدول‌های (۱) و (۲) نشان می‌دهند که بین برخی از ابعاد ارزش‌های شخصی - خانوادگی و خودپنداره با قضاوت اخلاقی در دانش‌آموزان مدارس عادی و تیزهوش رابطه معناداری وجود دارد. برای انجام رگرسیون چندگانه ابتدا مفروضه نرمال بودن توزیع نمرات قضاوت

جدول ۳. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان مدارس عادی بر اساس ارزش‌ها و خودپنداره

ضرایب رگرسیونی		ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تعیین			مناسب بودن مدل رگرسیون		متغیر
sig	β	B	R ²	R	Sig	F	
۰/۰۰۵	----	۴۲/۹۹					ثابت
۰/۸۴	۰/۰۴۲	۰/۰۷۵					اجتماعی
۰/۰۴	-۰/۰۰۹	-۰/۰۱					مردمی
۰/۲۸	-۰/۲۱	-۰/۴۷					هنری
۰/۱۴	-۰/۲۷	-۰/۵۸	۰/۲۵۲	۰/۵۰۲	۰/۳۸۲	۱/۱۰۷	اقتصادی
۰/۴۲	-۰/۱۷	-۰/۲۹					دانش
۰/۸۴	-۰/۰۴	-۰/۰۷					لذت‌جویانه
۰/۷۹	-۰/۰۴	-۰/۱۰					سیاسی
۰/۰۱	-۰/۴۱	-۰/۶۹					وجهه خانوادگی
۰/۴۳	-۰/۱۶	-۰/۲۴					سلامت
۰/۴۶	۰/۲۳	۰/۱۷					خودپنداره

تیزهوش هم بر اساس ارزش‌های شخصی - خانوادگی و خودپنداره از رگرسیون چندگانه استفاده شد. ابتدا مفروضه نرمال بودن توزیع نمرات قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان دختر با استفاده از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف انجام شد که خلاصه نتایج نشان داد مفروضه نرمال بودن توزیع نمرات برقرار است. برای پیش‌بینی قضاوت اخلاقی در دانش‌آموزان دختر ابتدایی مدارس تیزهوش هم بر اساس ارزش‌های شخصی - خانوادگی و خودپنداره از رگرسیون چندگانه استفاده شد. ابتدا مفروضه

همان‌طور که نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد تأثیر ارزش‌های شخصی - خانوادگی و خودپنداره در قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان دختر ابتدایی مدارس عادی، معنادار نیست ($P > ۰/۰۱$ و $F = ۱/۱۰۷$). بنابراین شواهد کافی برای تأیید فرضیه اول پژوهش وجود ندارد و ضرایب رگرسیون نشان می‌دهند که فقط ارزش‌های مردمی و وجهه خانوادگی می‌توانند به طور معناداری قضاوت اخلاقی را در دانش‌آموزان دختر پیش‌بینی کنند ($P < ۰/۰۵$). برای پیش‌بینی قضاوت اخلاقی در دانش‌آموزان دختر ابتدایی مدارس

نرمال‌بودن توزیع نمرات قضاوت اخلاقی اس‌میرنوف انجام شد که خلاصه نتایج نشان داد دانش‌آموزان دختر با استفاده از آزمون کولموگروف - مفروضه نرمال‌بودن توزیع نمرات برقرار است.

جدول ۴. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان مدارس تیزهوش بر اساس ارزش‌ها و خودپنداره

مناسب‌بودن مدل رگرسیون		ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تعیین				ضرایب رگرسیونی	
متغیر	F	Sig	R	R2	B	β	sig
ثابت					-۴۱/۸۹	---	۰/۴۳
مذهبی					۱/۸۰	۰/۶۴	۰/۰۰۲
اجتماعی					۰/۴۷	۰/۱۵	۰/۴۰
مردمی					۰/۱۵	۰/۳۶	۰/۰۰۱
هنری					۱/۱۷	۰/۳۸	۰/۰۹
اقتصادی	۲/۵۶	۰/۰۰۱	۰/۸۲	۰/۶۷	-۰/۱۲	-۰/۲۱	۰/۰۱
دانش					۱/۳۹	۰/۴۸	۰/۰۳
لذت‌جویانه					۰/۴۴	۰/۱۶	۰/۴۳
سیاسی					-۰/۴۳	-۰/۱۰	۰/۴۹
خانوادگی					-۰/۲۶	-۰/۰۸	۰/۶۵
سلامت					۰/۱۷	۰/۰۳	۰/۷۴
خودپنداره					۰/۱۱	۰/۰۶	۰/۰۸

از آزمون آماری Z فیشر استفاده شد که خلاصه نتایج آن در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول ۵. خلاصه آزمون Z فیشر

آزمودنی‌ها	ضریب همبستگی	تبدیل R به Z	مقدار Z
دانش‌آموزان تیزهوش	۰/۸۲	۱/۱۵	۱۴/۵
دانش‌آموزان عادی	۰/۵۰۲	۰/۵۴۹	

مطابق با جدول (۵) مقدار آماره Z برابر ۱۴/۵ است که بزرگتر از مقدار Z جدول توزیع نرمال در سطح معناداری است ($Z=۲/۵۸$)؛ بنابراین فرضیه سوم

همان‌طوری که نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد ارزش‌های شخص - خانوادگی و خودپنداره می‌توانند به‌طور معناداری قضاوت اخلاقی را در دانش‌آموزان دختر ابتدایی مدارس تیزهوش پیش‌بینی کنند ($P < ۰/۰۱$ و $F=۲/۵۶$)؛ بنابراین فرضیه دوم پژوهش تأیید شد و ضرایب رگرسیون نشان می‌دهند که ارزش‌های مذهبی، مردمی، اقتصادی و دانش می‌توانند به‌طور معناداری قضاوت اخلاقی را در دانش‌آموزان دختر ابتدایی مدارس تیزهوش پیش‌بینی کنند. برای مقایسه رابطه ارزش‌های شخصی - خانوادگی و خودپنداره با قضاوت اخلاقی بین دانش‌آموزان دختر مدارس ابتدایی عادی و تیزهوش

پژوهش تأیید می‌شود و نتیجه گرفته می‌شود که مقدار ضریب همبستگی بین ارزش‌های شخصی - خانوادگی و خودپنداره با قضاوت اخلاقی در بین دانش‌آموزان دختر مدارس ابتدایی تیزهوش و عادی متفاوت و این رابطه در دانش‌آموزان مدارس تیزهوش بیشتر است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که فقط ارزش‌های شخصی - خانوادگی مردمی و وجهه خانوادگی به‌طور معناداری قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان دختر مدارس ابتدایی عادی را پیش‌بینی می‌کنند که این نتیجه با نتایج پژوهش‌های دان و همکاران^۱ (۲۰۰۹)، حسنگلی‌پور و همکاران (۱۳۹۰) و کدیور و کاوسیان (۱۳۸۴) مطابقت دارد. از آن جا که سطح قضاوت و استدلال اخلاقی کودکان به عوامل گوناگون توانایی‌های شناختی، شرایط مدرسه، همسالان و عوامل اجتماعی دیگر مرتبط با زندگی آنان بستگی دارد، دانش‌آموزان دوره ابتدایی ۱۲ تا ۱۳ سال که در مدارس عادی تحصیل می‌کنند، دائماً در تأثیر این عوامل قرار دارند. بر این اساس دانش‌آموزان دوره ابتدایی که در مدارس عادی تحصیل می‌کنند با تعاملاتی که با افراد گوناگون دارند، مسایل اخلاقی گوناگونی را هم تجربه می‌کنند. همچنین دانش‌آموزان پایه‌های پنجم و ششم دوره ابتدایی که تقریباً ۵ تا ۶ سال در محیط مدرسه تجارب گوناگونی را کسب کرده‌اند، یادگیری‌های اجتماعی این دسته از کودکان نقش بیشتری نسبت به عوامل خانوادگی از جمله ارزش‌های شخصی - خانوادگی در شکل‌گیری و

تحول مسایل اخلاقی آن‌ها دارد و از آن جا که تأثیر این یادگیری‌های اجتماعی بسیار زیاد و اساسی است، نقش مسایل درون‌روانی و خودپنداره کم‌رنگ می‌شود. فقط ارزش‌های مردمی و وجهه خانوادگی توانست قضاوت اخلاقی را در دانش‌آموزان عادی پیش‌بینی کند. احتمالاً چون این دسته از ارزش‌ها بیشتر در تعامل با عوامل خانواده شکل می‌گیرند و تحول پیدا می‌کنند و دانش‌آموزان دوره ابتدایی که به لحاظ شرایط سنی و تحول شناختی - اجتماعی، سنخیت و هماهنگی بیشتری با خانواده دارند، بیشتر و بهتر موضوعات مرتبط با ارزش‌های مردمی و وجهه خانوادگی را درون‌سازی می‌کنند. این ارزش‌ها بعد به صورت ارزش‌های اولویت‌دار در چهارچوب ادراکی آنان جایگاه تعیین‌کننده‌ای در رفتارهای اخلاقی و سطح استدلال اخلاقی دارد.

از سوی دیگر چون خانواده دانش‌آموزان مدارس عادی معمولاً به لحاظ اقتصادی - اجتماعی و سطح تحصیلات از قشر متوسط به پایین جامعه هستند، احتمالاً بازخوردهای نامناسب والدین و همسالان در چهارچوب شناختی، عاطفی و رفتاری نمی‌توانند نقش‌های والدینی و الگوسازی مناسبی برای رشد خودپنداره دانش‌آموزان باشند. بر این اساس خودپنداره افراد که بیشتر نتیجه ادراکات افراد نسبت به خودشان و تجارب و یادگیری‌های محیطی است، در این افراد تقویت نمی‌شود و در نتیجه نمی‌تواند جایگاه تعیین‌کننده‌ای در انجام رفتارهای اخلاقی‌شان داشته باشد. بنابراین منطقی به نظر می‌رسد که خودپنداره دانش‌آموزان دختر در مدارس ابتدایی عادی نمی‌تواند سهم معناداری در پیش‌بینی استدلال و قضاوت اخلاقی آنان داشته باشد. اما نتایج پژوهش

¹ Dunn et al

خود، تأثیر زیادی در پرورش استعداد‌های کودکان، خودپنداره و اخلاق آنان دارد. به‌خصوص که این خانواده‌ها در تعامل با کودکانشان انعطاف‌پذیری لازم و مناسب را دارند. همچنین دانش‌آموزان تیزهوش نسبت به دانش‌آموزان عادی به استفاده از وقت خود بیشتر اهمیت می‌دهند و دوست دارند وقت‌های آزاد خود را به مطالعه و انجام فعالیت‌های هنری و علمی بگذرانند و دوست‌دار شرکت در فعالیت‌هایی هستند که تجربه‌های مثبتی برای آن‌ها به همراه داشته باشد. دانش‌آموزان تیزهوش و بااستعداد نیاز دارند که استعداد‌های خودشان را رشد دهند. از سوی دیگر هیچ دانش‌آموز تیزهوشی نمی‌تواند بدون دریافت پاداش‌های بیرونی و درونی از طرف دیگران و خود به رشد و تکامل برسد. زمینه پدیدآمدن این رشد و تکامل از طرف معلمان، والدین و همسالان ایجاد می‌شود. بدون برانگیختن این کودکان و تقویت عوامل انگیزشی آنان استعداد‌هایشان رشد نمی‌کند. از آن جا که محیط خانه و خانواده مهمترین عامل در رشد و تکامل استعداد‌های کودکان هستند، می‌توانند زمینه شکل‌گیری و تحول انواع رفتارهای اخلاقی را فراهم سازند (آفاجانی و همکاران، ۱۳۸۷).

علاوه بر این رفتارهای اخلاقی به امور درست و نادرست و همچنین تصمیم‌گیری برای انجام آن‌ها در کودکان بیشتر با عوامل درون‌روانی از جمله خودپنداره‌ای هدایت می‌شود که کودکان در فرایند تحول روانی خودشان کسب کرده‌اند و به نوعی بر اساس آن رفتار می‌کنند. همچنین بخش عمده‌ای از عوامل مؤثر در شکل‌گیری خودپنداره افراد در خانواده است و در فرایند تأثیرگذاری بر قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان با ارزش‌های شخصی -

در مورد دانش‌آموزان در مدارس تیزهوش نشان داد که ارزش‌های شخصی - خانوادگی و خودپنداره می‌توانند قضاوت اخلاقی را به‌طور معناداری پیش‌بینی کنند و ارزش‌های مذهبی، مردمی، اقتصادی و دانش به‌طور معناداری قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان تیزهوش را پیش‌بینی می‌کنند. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های گرین و حایدت^۱ (۲۰۰۷)، شو و لام^۲ (۲۰۰۸)، نجارپور (۱۳۸۷) و کریمی (۱۳۸۹) همخوانی دارد. چون دانش‌آموزانی که در مدارس تیزهوش درس می‌خوانند از نظر توانایی‌های ذهنی نسبت به دانش‌آموزانی که در مدارس عادی درس می‌خوانند در سطح بالاتری قرار دارند و از آن جا که بخشی از کیفیت پدیدآیی و تحول استدلال اخلاقی در افراد به قابلیت‌های ذهنی و توانایی‌های شناختی آنان وابسته است، بنابراین از نظر سطح استدلال اخلاقی هم در سطح بالاتری نسبت به دانش‌آموزان مدارس عادی قرار دارند. همان‌طور که کشتکار (۱۳۹۲) هم در پژوهشی به این نتیجه رسید که بین سطح قضاوت اخلاقی کودکان و توانایی‌های ذهنی و میزان خلاقیت آنان رابطه وجود دارد و به‌طور کلی کارایی عملکرد خانواده کودکانی که از سطح قضاوت اخلاقی بالاتری برخوردار هستند، مؤثرتر و مطلوب‌تر است.

در تبیین این نتیجه می‌توان گفت چون خانواده‌هایی که امکانات بیشتر، درآمد بیشتر و تحصیلات بالا و موفق و روابط اجتماعی بهتر دارند، حمایت‌کننده مناسب‌تری برای رشد و تکامل استعداد‌های فرزندان‌شان هستند، روابط عاطفی بین اعضای خانواده و همچنین حمایت آن‌ها از کودکان

¹ Green & Haidt

² Show & Lum

همکاران (۱۳۸۷)، نریمانی و همکاران (۱۳۹۲) همخوانی دارد، ولی با نتایج پژوهش ابراهیمی (۱۳۷۵) همخوانی ندارد. خانواده محیطی است که شخصیت کودک را شکل می‌دهد و خود این محیط در محیط گسترده‌تر اجتماع و فرهنگ جای می‌گیرد و به‌شدت از آن تأثیر می‌پذیرد. با توجه به توان خانواده کودک نخستین گام‌های اجتماعی شدن را در آن تجربه می‌کند و از طریق مشاهده رفتارهای والدین ارزش‌ها را یاد می‌گیرد. همچنین یاد می‌گیرد که دیگران از او به عنوان دختر یا پسر چه انتظاراتی دارند؛ بنابراین تقلید از الگوها و برقراری یک فرایند الگوپذیری مناسب به کودک اجازه می‌دهد که رفتارها و نگرش‌های مناسب با هویت جنسی و انتظارات محیطی را شکل دهد. به خوبی روشن است که اگر عوامل تقلیدی، الگوهای مناسب و سالمی نباشد کودک را با مشکل روبه‌رو می‌کند؛ بنابراین شکل‌گیری ارزش‌ها و مسایل اخلاقی در بستر خانواده و عوامل مرتبط با خانواده پی‌ریزی می‌شود (گنجی، ۱۳۸۵). نتیجه‌ای که درباره وجود تفاوت معنادار در توانایی پیش‌بینی قضاوت اخلاقی بر اساس ارزش‌های شخصی - خانوادگی بین دانش‌آموزان مدارس عادی و تیزهوش به دست آمد، از جهت نقش عملکرد خانواده و توانایی‌های شناختی و ذهنی این افراد قابل تبیین است. چون عوامل خانوادگی دانش‌آموزان تیزهوش توانایی لازم را برای انتقال ارزش‌های کارآمد و سازنده و ارزش‌های خودی دارد و دانش‌آموزان تیزهوش هم به لحاظ بالابودن سطح توانایی‌های ذهنی به‌راحتی در تأثیر ارزش‌های تحمیلی و بی‌اساس اطرافیان قرار نمی‌گیرند و بیشتر بر اساس خودپنداره منسجم و رشدیافته خودشان

خانوادگی هم‌پوشی دارد؛ بنابراین در پژوهش حاضر خودپنداره دانش‌آموزان به تنهایی سهم معناداری در پیش‌بینی قضاوت اخلاقی آنان نداشت. همچنین دانش‌آموزان ۱۲ تا ۱۳ سالگی که در پژوهش حاضر بررسی شدند، چون در فرایند تحول روانی هنوز خودپنداره انسجام‌یافته‌ای درباره خودشان به دست نیاورده‌اند و در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی بیشتر در تأثیر عوامل خانوادگی هستند، بنابراین خودپنداره این دانش‌آموزان نتوانست در پیش‌بینی قضاوت اخلاقی، سهم معناداری داشته باشد. نوع بازخوردها و الگوهای رفتاری که از طرف والدین در تعامل با کودکان انجام می‌شود، عوامل انگیزشی رفتار کودکان را شکل می‌دهد و با توجه به این که کدام نوع از ارزش‌های شخصی - خانوادگی در خانواده برتری دارد، نوع عوامل انگیزشی رفتار کودکان هم متفاوت می‌شود. بر این اساس ارزش‌های شخصی - خانوادگی می‌تواند رفتارهای اخلاقی گوناگونی را در کودکان ایجاد کند؛ همان‌طور که در پژوهش حاضر نیز نتیجه گرفته شد که برخی از ارزش‌های شخصی - خانوادگی در کودکان می‌تواند قضاوت اخلاقی آنان را پیش‌بینی کند.

علاوه بر این پژوهش حاضر نشان داد که بین پیش‌بینی قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان بر اساس ارزش‌های شخصی - خانوادگی و خودپنداره آنان، تفاوت معناداری وجود داشت و ارزش‌های شخصی - خانوادگی، قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان دختر مدارس ابتدایی تیزهوش را به‌طور قوی‌تری پیش‌بینی می‌کند. این نتیجه با یافته‌های پورعبدلی و همکاران (۱۳۸۱)، صفایی و همکاران (۱۳۹۰)، متقی‌فر (۱۳۸۱)، کریمی (۱۳۸۹)، یوسفی (۱۳۸۵)، آقاجانی و

مقاطع سنی ۱۵ تا ۱۸ ساله، مجله دانش و پژوهش در روان‌شناسی، سال پنجم، شماره ۳، ص ۴۷-۳۴.

آسایش، م. ح. و بهرامی‌زاده‌ها، ح. (۱۳۹۰)، بررسی سیستم ارزش‌های شخصی و تغییرات آن میان افراد جوان در دانشکده روان‌شناسی دانشگاه تهران، مجموعه مقالات کنفرانس ملی در روان‌شناسی، مشاوره و راهنمایی، آنتالیا-ترکیه.

آقاجانی، س، آسیائی، م و نریمانی، م. (۱۳۸۷)، مقایسه هوش هیجانی و خودپنداره دانش‌آموزان تیزهوش و عادی، مجله پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، سال هشتم، شماره ۳، ص ۶۸-۵۴.

پاشا، غ. و گودرزیان، م. (۱۳۸۹)، رابطه سبک‌های هویت و رشد اخلاقی با مسئولیت‌پذیری در دانشجویان، مجله یافته‌های نو در روان‌شناسی، سال دوم، شماره ۸، ص ۹۹-۸۷.

پورعبدلی، م.، کدیور، پ. و همایونی، م. ر. (۱۳۸۱)، تعیین ارتباط بین شیوه‌های فرزندپروری مادر و ادراک فرزند از آن شیوه‌ها با مکان کنترل و خودپنداره فرزندان، مجله دانش و پژوهش در روان‌شناسی، سال هشتم، شماره ۳، ص ۷۱-۵۶.

تقوی، ن. (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی خانواده، چاپ اول، تهران، دانشگاه پیام نور.

حسنقلی‌پور، ط.، دهقان‌نیری، م. و میرمحمدی، م. (۱۳۹۰). هدف عوامل موثر بر نگرش اخلاقی دانشجویان مدیریت. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۶(۴). ۲۱-۳۴.

جهانگیرزاده، م. ر. (۱۳۹۰)، دیدگاه‌های شناختی تحولی در رشد اخلاقی، مجله معرفت اخلاقی،

تصمیم می‌گیرند. به علاوه در مدارس تیزهوش معمولاً دانش‌آموزان به علت داشتن خانواده‌هایی با عملکرد مطلوب، الگوهای مؤثر و سازنده‌ای برای دانش‌آموزان دیگر هستند.

به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که برخی از ارزش‌های شخصی - خانوادگی می‌توانند قضاوت اخلاقی را در دانش‌آموزان تیزهوش مدارس ابتدایی پیش‌بینی کنند و نقش این عوامل در پیش‌بینی قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان مدارس ابتدایی تیزهوش بیشتر است.

با توجه به این که این پژوهش روی دانش‌آموزان دختر دوره ابتدایی انجام شده است و این افراد از زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی بسیار متفاوتی برخوردار هستند، محدودیت‌هایی را در زمینه تعمیم یافته‌ها، تفسیرها و اسنادهای علت‌شناسی متغیرهای مورد بررسی ایجاد می‌کند که باید به آن‌ها توجه شود. بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بعدی روی دانش‌آموزانی که به لحاظ موقعیت‌های فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی همگن‌تر باشند، انجام شود. همچنین بر اساس نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود برای تغییر و اصلاح سطح استدلال و قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان ۱۲ تا ۱۳ سال و همچنین بهبود فرایند تحول سطح استدلال اخلاقی دانش‌آموزان، لازم است که به تقویت و کارآمدسازی عملکرد خانواده به‌ویژه ارزش‌های شخصی - خانوادگی توجه شود.

منابع

ابراهیمی، ش. (۱۳۷۵)، بررسی و مقایسه رشد اخلاقی بین دانش‌آموزان دختر سرآمد و عادی

- سال دوم، شماره ۴، ص ۱۰۱-۱۲۲. کارشناسی‌ارشد، چاپ نشده، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر.
- جهانی، ج. (۱۳۸۶)، بررسی تأثیرات برنامه آموزش فلسفه به کودکان در رشد منش‌های اخلاقی دانش‌آموزان، فصلنامه برنامه‌ریزی درسی، سال دوم، شماره ۷، ص ۳۶-۵۹.
- خدایی، ف. (۱۳۸۶)، والدین، نوجوانان، ارزش‌های خانوادگی، ترجیح اطاعت یا استقلال، فصلنامه خانواده‌پرویی، سال سوم، شماره ۱۲، ص ۵۶-۶۸.
- رجایی، ع. ر. (۱۳۸۹)، هوش معنوی: دیدگاه‌ها و چالش‌ها، پژوهشنامه تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت جام، سال پنجم، شماره ۲۲، ص ۲۲-۴۴.
- رحمانی، ه. (۱۳۹۲)، رابطه ارزش‌های شخصی - خانوادگی و خودپنداره با قضاوت اخلاقی در دانش‌آموزان دختر مقطع ابتدایی عادی و تیزهوش، چاپ نشده، دانشکده علوم انسانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر.
- شاملو، س. (۱۳۹۰). بهداشت روانی. تهران: انتشارات رشد.
- صفایی، ص.، بیگدلی، ی. و طالع‌پسند، س. (۱۳۹۰)، رابطه خودپنداره مادر با سبک دلبستگی و خودپنداره فرزند، مجله پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، سال سوم، شماره ۲، ص ۵۲-۳۹.
- قورچی‌بیگی، ف. (۱۳۹۲)، رابطه نیازهای روان‌شناختی و ارزش‌های شخصی - خانوادگی با نگرش به ازدواج در معلمان زن، پایان‌نامه
- کدیور، پ. و کاوسیان، ع. (۱۳۸۴)، نقش برخی عوامل خانوادگی در خودپنداره دانش‌آموزان دبیرستانی سراسر کشور، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۹، ص ۲۳-۳۸.
- کرمی، ا. (۱۳۸۵)، اعتباریابی پرسشنامه ارزش‌های شخصی - خانوادگی، تهران، انتشارات روان‌سنجی.
- کریمی، ع. (۱۳۸۹)، بررسی تحول ظرفیت عملیاتی و رابط آن با تحول قضاوت اخلاقی فصلنامه تعلیم و تربیت، سال پنجم، شماره ۳، ص ۲۳-۳۶.
- کشتکار، ا. (۱۳۹۲) تأثیر آموزش بازی در افزایش خلاقیت و قضاوت اخلاقی کودکان مقطع پیش‌دستانی در مهد کودک، در دست چاپ، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر.
- گنجی، ح. (۱۳۸۵)، روان‌شناسی رشد، تهران، نشر ساوالان.
- متقی‌فر، غ. ر. (۱۳۸۸)، تأثیر والدین بر کودکان، مجله معرفت، سال پانزدهم، شماره ۵۷، ص ۱۹-۱۴.
- محمداسماعیل، ا. (۱۳۸۴)، بررسی و مقایسه رشد اخلاقی نوجوانان عادی و دارای اختلال سلوک، مجله پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، سال اول، شماره ۵، ص ۱۹-۳۲.
- محمدی، م. (۱۳۹۲)، رشد اخلاق و قضاوت اخلاقی، مؤسسه فرهنگی ادب و دانش، مجتمع آموزشی

- children with cerebral palsy to the perceptions of their parents. *Disability and Rehabilitation*, 7(31), 385-393.
- Feather, N. T. (2013), Value systems across cultures Australia and China. *International Journal of Psychology*, 6 (21), 697-715.
- Green, J. and Haidt, I. (2007), How and where does moral judgment work. *Trends in Cognitive Sciences*, 61 (2), 517-523.
- Kissinger, D., Daniels, H. and Lee. (2006), *Adaptability and communication in Marriage*, Ottawa : (N.J) Bedminster press, 2 edition.
- Matarazzo, O. Abbamante, L. and Nigro, G. (2008), Moral reasoning and behavior in adulthood. *International Journal of Human and Sciences*, 3(3), 667- 674.
- Nado, L. Kelly, D. and Stich, S. (2006), Moral judgment. *Philosophy of Psychology*, 4 (12), 113-128.
- Niemiec, C. P., Lynch, M. F., Vansteenkiste, M., Bernstein, J., Deci, E. L. and Ryan, M. A. (2008), The antecedents and consequences of autonomous self-regulation for college: A self-determination theory perspective on socialization. *Journal of Adolescence*, 8 (29), 761-775.
- Rockeach, M. (2011), *The nature of human values*. New York: Free Press.
- Santrock, J. W. (2010), *Educational psychology*. New York: McGraw hill.
- Show, N. and Lum, E. (2008), *Trends in family attitudes and values in Hong Kong*. Final Report Submitted. The University of Hong Kong.
- Verschueren, K., Doumen, S. and Buyse, E. (2011), Relationships with mothers, teachers, and peer: Unique and joint effects on young children self-concept. *Paper presented at the 15th European Conference on Developmental Psychology*, 15(15), 788-795. Bergen, Norway.
- علامه طباطبایی، *مجله اندیشه خانواده*، سال ششم، شماره ۱۷ و ۱۶، ص ۲۴-۳۰.
- نجاتی، ح. (۱۳۸۹)، *نقش تربیتی پدر در خانواده*، تهران، انتشارات ندا.
- نجم‌پور، س. (۱۳۸۷)، *رابطه جو عاطفی خانواده، خودپنداره، عزت نفس و پایگاه اقتصادی- اجتماعی بر شکل‌گیری هویت جوانان*، *مجله اندیشه و رفتار*، سال سوم، شماره ۹، ص ۴۵-۵۰.
- نریمانی، م، پوراسمعیلی، ا. و عندلیب، ک. (۱۳۹۲)، *مقایسه سبک‌های فرزندپروری و اختلالات خوردن در میان دانش‌آموزان عادی و تیزهوش*، *مجله روان‌شناسی مدرسه*، سال دوم، شماره ۲، ص ۱۸-۳۱.
- هومن، ح. ع. (۱۳۸۷)، *شناخت روش علمی*، تهران، انتشارات سمت.
- یوسفی، ف. (۱۳۸۵)، *بررسی ارتباط سبک فرزندپروری والدین با مهارت‌های اجتماعی - اخلاقی و جنبه‌هایی از خودپنداره دانش‌آموزان دبیرستانی*، *دو ماهنامه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد*، سال چهاردهم، شماره ۲۲، ص ۱۵-۲۸.
- Berzonesky, M. (2008), Identity Style, Parental authority and identity commitment. *Journal of Youth and Adolescence*, 23 (133), 320-303.
- Dunn, N., Shields, N., Taylor, N. F. and Dodd, K. J. (2009), Comparing the self concept of

The Prediction of Moral Judgment in Talent and Non-Talent Female Students of Elementary Schools Based on Individual-Family Values and Self- Concept

*** A. Jafari**

Assistant Professor of Family Counseling, Islamic Azad University, Abhar Branch, Abhar, Iran

H. Ramani

Master of Counseling, Islamic Azad University, Abhar Branch, Abhar, Iran

M. Amirimajd

Associate Professor of Special Education, Islamic Azad University, Abhar Branch, Abhar, Iran

Abstract:

The present study aimed to predict the moral judgment in talent & non-talent female students of elementary schools based on individual-family values and self- concept. The study was correlational in nature. 50 non-talent female students were selected using multiple cluster sampling and 50 talent female students selected using simple random sampling through students of elementary schools. Data were collected by using the questionnaires of individual-family values, self-concept and moral judgment and analyzed by multiple regression, Pearson correlation, and Fisher's Z. The results indicated that individual-family values and self-concept significantly predict moral judgment in talent students. The values of religiosity, people, financial and knowledge significantly predict moral judgment in talent students ($P < 0/01$). Individual-family values and self- concept can't predict significantly moral judgment in non-talent students. In addition, results showed that there was significant difference between correlation of individual-family values and self-concept with moral judgment in talent and non-talent students. The results provide some evidence that individual-family values effect moral judgment in talent female students of elementary schools. In order to modify moral judgment and recovery process of moral reasoning development in 12-13 aged students, it may be useful to focus on the efficiency of family performance, especially values.

Keywords: individual-family values, self-concept, moral judgment, talent students of elementary schools, non- talent students of elementary schools.